

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان و نگارش: ا. م. شیرى  
۱۳ اپریل ۲۰۲۴

## مدافعان واقعیات تاریخی پیروزی ستالین را گرامی بداریم!



دفتر مطبوعاتی حزب کمونیست فدراسیون روسیه- کمیته شهر مسکو

چرا از اصطلاح تحقیرآمیز «مؤرخین ساندویچی» استفاده می‌کنید؟

در طول دهه‌های گذشته، بی‌اعتبار کردن تاریخ روسیه به طور کلی، و دوره ساخت سوسیالیسم به ویژه، تقریباً به یک امر روزمره تبدیل شده است. ضد کمونیست‌ها شبانه روز کلیشه‌هایی درباره «توتالیتاریسم خونین»، «نابودی مردم به دست بلشویک‌ها»، درباره «ناکارآمدی نظام شوروی» منتشر می‌کنند. این باورهای غلط بعد از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی به قدری گسترش یافته است، که گاهی حتی از نمایندگان جنبش چپ نیز می‌توان کلیشه‌های خاصی را شنید. به بیان دقیق‌تر، آن‌ها، خلاف طرفداران لیبرالیسم طرفدار غرب و «حمایت‌گرایی»، به دستاوردهای دوره شوروی، به سهم مثبت لنین و ستالین در آن‌ها اعتراف می‌کنند. با این حال، برخی از چهره‌ها اظهارات خروشچف در سال ۱۹۵۶ در مورد «سرکوب‌های غیرقابل توجیه» را به‌عنوان ارزش اسمی در نظر می‌گیرند و گاهی در مورد مسائل مربوط به سیاست اقتصادی دوران شوروی سردرگم می‌شوند. در این یادداشت در باره آن‌ها صحبت خواهیم کرد.

مسئله اصلی حتی نظر برخی افراد نیست، بلکه نگرش آن‌ها نسبت به کسانی است که سعی می‌کند اعتبار رویکردهای جایگزین رویکردهائی را که از زمان «وارفتن» غالب شده‌اند، اثبات کند. به دلایل دیپلماتیک، ما از افراد مورد نظر خود نام نمی‌بریم. با این حال، تأکید می‌کنیم که برخی از آن‌ها، متأسفانه، افشاگران افسانه‌های ضد ستالین را با الفاظ آشکارا تحقیرآمیز مانند «مؤرخین ساندویچی» مورد خطاب قرار می‌دهند. چگونه می‌توان در باره چنین چیزی نظر داد؟

برای شروع، مدافعان خط تاریخی، به طور مشروط، «خط ستالین»، هنگام ارائه استدلال در مورد حادثترین رویدادهای دهه ۱۹۳۰ - ۱۹۵۰، به عنوان یک اصل، به منابع قابل اعتماد و اطلاعات جدی تکیه می‌کنند. این‌ها به ویژه شامل خاطرات افرادی است که در دهه ۱۹۳۰ در توطئه داخلی حزبی، در ارتش سرخ، در مؤسسات، در مسؤولیت‌های مختلف و غیره شرکت داشتند و در دوره پس از جنگ، از کشور مهاجرت کردند. کافی است با مطالب خاطرات آ. و. سوتلاتینا: «توطئه خاور دور» و گ. آ. توکایف: «رفیق X» آشنا شوید تا به صحت اتهامات متهمان در محاکمه‌های معروف مسکو (از جمله، پرونده یک توطئه نظامی-تروتسکیستی در صفوف ارتش سرخ) مطمئن شوید.

حتماً خواهید گفت که خاطرات همیشه نمی‌توانند تصویر قابل اعتمادی از وقایع منعکس کنند. زیرا، نویسندگان آن‌ها علایق خاصی دارند. البته این، کاملاً درست است. با این حال، در مورد پرونده مورد نظر، باید یک شرایط بسیار مهم را هم در نظر بگیریم. رایج است که اعترافات توطئه‌گران به دلیل شکنجه‌هایی که متحمل می‌شوند، قابل اعتماد نیست (در طول دوره به اصطلاح «پژوفی» برخی زندانیان شکنجه می‌شدند، اما نه همیشه و نه همه دستگیر شدگان). اما وقتی اعترافات مبنی بر دست داشتن در فعالیت‌های خرابکارانه ضد شوروی در خاطرات توطئه‌گران در خارج از کشور در یک محیط آزاد نوشته می‌شود (در شرایطی که طبق گفته آن‌ها تحت هیچ فشاری از سوی بازرگان وزارت کشور قرار نمی‌گرفتند)، یعنی اعترافات اهمیت زیادی کسب می‌کنند. علاوه بر این، نویسندگان خاطرات فوق در مورد فعالیت‌های خود به شیوه تیرنه‌آمیز می‌نویسند و خود را به عنوان نوعی مبارز برای یک «هدف عادلانه» معرفی می‌کنند. بنابراین، یک دلیل جدی برای نتیجه‌گیری بسیار خاص وجود دارد. این واقعیت که آ. و. پورتنیکوف، مدیر سرویس امنیت فدرال در سال ۲۰۱۷، بر اساس مطالبی از آرشیو ارگان‌های امنیتی دولتی، به وجود یک توطئه درون حزبی تحت حمایت آلمان نازی و میلیتاریزم جاپان در اتحاد جماهیر شوروی در دهه ۱۹۳۰ اعتراف کرد، از خیلی واقعیت‌ها حکایت می‌کند.

به هیچ وجه نباید واقعیت اقدامات توطئه‌گران تروتسکیست-بوخارین را چه در اتحاد جماهیر شوروی و چه در کشورهای خارجی که در طول سال‌های جنگ باقی ماندند، نادیده گرفت. کافی است فعالیت‌های فرستنده رادیویی زیرزمینی «گارد قدیمی لنین - کنکور دیا ۷» در اتحاد جماهیر شوروی در طول جنگ کبیر میهنی را که در هماهنگی با نهادهای دولتی رایش سوم درگیر جنگ اطلاعاتی علیه کشور ما بود، فراموش نکنیم (درست مشابه این که چگونه اکنون رسانه‌های خارجی همراه با مرکز اطلاعات و عملیات روانی باندری اوکراین علیه نیروهای مسلح روسیه، عملیات ویژه در اوکراین، لجن‌پراکنی می‌کنند، اطلاعات نادرست منتشر می‌کنند و در عین حال از گروه نازی ولادیمیر زلنسکی حمایت می‌کنند)، و همچنین، فرار با یارسیکی (فرمانده لشکر ۴۱ پیاده نظام در سال ۱۹۴۱)، آجودان شخصی سابق توخاچفسکی در روزهای آغازین تهاجم نازی‌ها به طرف دشمن را به خاطر آوریم.

فراموش نکنیم که چگونه در سال ۱۹۳۸، در خلال جنگ داخلی اسپانیا، تروتسکیست‌ها در سیمای پوما، در لحظه تعیین‌کننده ای در بارسلون به دولت جمهوری‌خواه از پشت خنجر زدند و دست در دست فرانکوئیست‌ها و نازی‌ها عمل کردند. بد نیست موضع مطبوعات تروتسکیست‌های فرانسه را به خاطر آوریم که متجاوز و قربانی جنایات آن طول جنگ جهانی دوم را در واقع در یک سطح مساوی قرار دادند. آیا حکم دادگاه منطقه فدرال در مینیاپولیس در اول دسامبر ۱۹۴۱ که ۱۸ تن از تروتسکیست‌های محلی را به جرم توطئه و براندازی نظم و انضباط نظامی (از جمله، وکیل تروتسکی، گلدمن) مجرم شناخت، فراموش شده است؟ به خاطر آورید وزارت دادگستری امریکا را، که در سال ۱۹۴۳، «مبارز» تروتسکیست را به دلیل مخالفت با تلاش‌های جنگی با هدف مقابله با نازی‌ها تحریم کرد و در اپریل ۱۹۴۴، در انگلستان، گروه‌های ترور تروتسکیستی به امید به هم زدن مقابله نظامی با رایش سوم، کارگران انگلیس را

آشکارا به اعتصاب فراخواندند، افسران اسکاتلند یارد به بازرسی از اماکن گروه‌های تروتسکیست پرداختند. اگر تصور می‌کنید که ستالین و کمیساریای امور داخلی [وزارت کشور-داخله-] ظاهراً نسبت به یک روند خاص تعصب داشتند، پس چرا دولت‌های سایر کشورهای ائتلاف ضد هیتلری اقدامات مشابهی را علیه آن‌ها اعمال کردند؟ سؤال کاملاً بلاغی است.

با توجه به اظهارات در مورد رهبری موفق اتحاد جماهیر شوروی توسط یوسف ویساریونویچ ستالین و در مورد نتایج غیر قابل حد آزمایشات خروشچف، در اینجا می‌توانیم با خیال راحت موارد زیر را برشماریم. کشور ما در دوره رهبری ستالین، دائماً موفقیت‌های عظیم اقتصادی، نظامی و غیره کسب می‌کرد. از این گذشته، اتحاد جماهیر شوروی اولین کشوری بود که سیستم کوپنی را لغو کرد. در دوره پس از جنگ، قیمت‌ها به طور مرتب کاهش می‌یافت و پایه‌های رسیدن کشور به سطح جدید توسعه کیفی ایجاد شد. بی‌شک، در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ کشور ما با دستاوردهای عظیم خود (پرتاب قمر مصنوعی به مدار زمین، به آب انداختن یخ‌شکن هسته‌ای «لنین»، پرواز یوری گاگارین به فضای کیهانی و ...) همه جهان را شگفت‌زده کرد. در عین حال، نمی‌توان انکار کرد که در آن دوره فرآیندهایی پایه‌گذاری شدند که در نهایت نقش مرگبار بمب ساعتی را در سال‌های «نوسازی» ایفا کردند. به عنوان سند و مدرک، سؤالاتی را مطرح خواهیم کرد که پاسخ آن‌ها کاملاً واضح است.

انشعاب جدی در صفوف جنبش کمونیستی جهانی، شروع سردی روابط بین دو کشور بزرگ سوسیالیستی (اتحاد شوروی و چین)، در دوره رهبری ستالین روی داد یا خروشچف؟ ناآرامی‌های مردمی چه زمانی رخ داد - در اوایل دهه ۱۹۵۰ یا در اوایل دهه ۱۹۶۰؟ در اوایل دهه ۱۹۶۰ چه کسی در رأس حزب کمونیست اتحاد شوروی بود؟ مطمئناً ستالین نبود! اولین نشانه‌های اختلال در عرضه مواد غذایی چه زمانی ظاهر شدند؟ هیچ کسی نمی‌تواند بگوید که در امر کاهش قیمت ستالین مقصر بوده است. و این هم نظر مؤرخانی که در شناسایی مشکل مستقیماً دخیل است. رومن کرسانوف، محقق ارشد دانشکده تاریخ آکادمی علوم روسیه، در سال ۲۰۲۰، در مصاحبه با روزنامه «Аргументы и факты» (استدلال‌ها و واقعیت‌ها)، توضیح داد که در دوره ستالین کمبود مواد غذایی وجود نداشت. از دیدگاه او، موضوع به این دلیل بود که «امنیت تجارت کالا در آن زمان با مقدار پولی که مردم داشتند، مطابقت داشت». در واقعیت امر، به دلیل یک سری آزمایش‌های داوطلبانه در دوره «ادغام»، همه چیز «رفتم که رفتم» شد و ممنوعیت مداخله نهادهای امنیت دولتی در امور دستگاه حزب پس از کنگره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی، به نفوذ افرادی به ساختارهای رهبری منجر شد که دست در دست جنایتکاران اقتصادی علیه اقتصاد ملی و تعاونی‌ها عمل کردند.

همه این‌ها واقعیت‌های تاریخی کاملاً مشخصی هستند. پس چرا باید به مؤرخانی که استدلال‌های فوق را بیان می‌کنند، برچسب «مؤرخین ساندویچی» زده شود؟ لازم به یادآوری است که محققان جدی مانند یوری ژوکوف، دکترای علوم تاریخی، محقق ارشد دانشکده تاریخ آکادمی علوم روسیه، یوگنی اسپیتسین، مشاور رئیس دانشگاه دولتی پداگوژی مسکو و دیگران از واقعیت‌های دوره رهبری ستالین دفاع می‌کنند. خوارشماری اهمیت کار آن‌ها چه فایده‌ای دارد؟ فرض کنیم که شما با مفهوم مورد نظر آن‌ها مخالفید. اما این که شما دیدگاه متفاوتی دارید اصلاً دلیل نمی‌شود که مخالفان خود را «مؤرخین ساندویچی»، افراد نالایق و غیره تصور کنید. به نظرات دیگر احترام بگذارید، حتی اگر با آن‌ها مخالفید. و البته، اکنون شرایط سیاسی به گونه‌ای است که به دلیل اختلاف نظر در مورد موضوعات خاص تاریخی، ایجاد دعوا در صفوف جنبش چپ اصلاً جایز نیست. ما باید از این رویه حذر کنیم. اکنون باید روی یک موضوع - روی دفاع از ایده گذار به سوسیالیسم تمرکز کنیم. همه اختلاف نظرات در مورد مسائل دیگر باید به زمان‌های بهتر موکول شود [برجسته‌نمائی از مترجم است و با آن، به دلایل کاملاً روشن مخالف است: اول- زیرا، نظرات فاشیستی،

نژادپرستی، استعماری، تروریستی و امثالهم به هیچوجه قابل احترام نیست؛ دوم- «جنبش چپ» یک مفهوم مبهم و بی‌معنی است. این «مفهوم» را اتاق‌های به اصطلاح فکر غرب بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان جایگزین سوسیالیسم علمی رایج کردند].

منابع: [روسو](#) - وبسایت دانشمندان با گرایش سوسیالیستی روسیه

تارنمای [کمیته شهر مسکو](#) - حزب کمونیست روسیه

۲۴ فروردین- حمل ۱۴۰۳